

# جوکر علیه کرونا

**گفت‌و‌گو با کارگردان تئاتر خیابانی «خودم شروع می‌کنم» که با چند هنرمند دیگر و با شمالی جذاب، مردم را به رعایت پروتکل‌های بهداشتی ترغیب می‌کند**



صادق جهانی | روزنامه‌نگار



از بدو ورود ویروس کرونا به کشور، علاوه بر کادر زحمتکش و پر تلاش بهداشت و درمان که خواهان رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی مردم بودند، افراد، گروه‌ها و تشکل‌های مختلف هم باراهاندازی پوشش‌های متنوع‌وارد گودو میدان شدند تا سهمی در فرهنگ‌سازی استفاده از ماسک داشته باشند. در این مدت کارهای تصویری و تجسمی برای فرهنگ‌سازی و مبارزه با کرونا کم نبوده است. در این بین عده‌ای هم در قالب گروه‌های هنری مانند سروودو تئاتر دغدغه‌خودرابیان کردند. یکی از موفق‌ترین گروه‌های هنری در این زمینه، گروه تئاتر «خودم شروع می‌کنم» به سرپرستی و کارگردانی «مجید امینی» است که چند وقت پیش با رفتن به مکان‌های شلوغ تهران مانند ایستگاه‌های مترو، اتوبوس و بازارها با غافلگیرکردن همشهریان‌شان، به‌آن دست‌ازافراد انگشت‌شمار که ماسکی بر صورت ندارند یا فاصله‌اجتماعی‌را رعایت نمی‌کنند با اجرای نمایش طنز، ماسک‌ده‌یوآن‌ها را به رعایت پروتکل‌ها تشویق می‌کنند. در پرونده امروز با سرپرست گروه گپ‌زدیم‌و از کمو کیف نمایش این گروه و واکنش‌و بازخورد مردم پرسیدیم.

## در آثارم به دنبال اصلاح رفتار جامعه هستم

مجید دانشجوی دکتری مدیریت کسب‌و کار و سال‌هاست که نمایش‌های زیادی را روی صحنه می‌برد. او صحبت خود را از تفاوت آثارش با دیگر نمایش‌های مرسوم آغاز می‌کند: «حدود دوازده سال پیش با شیوه‌ای غیر مرسوم از تئاتر به نام تئاتر کار بردی آشنا شدم. یکی از تفاوت‌های عمده تئاتر کار بردی با دیگر گونه‌های تئاتر مرسوم که هدف‌شان تنها وجه نمایشی اثر است، کاربرد آن برای اصلاح رفتار جامعه است.

حال این اصلاح‌ی خواه‌در بخش درمانی و بهداشتی باشد یا آموزشی و اجتماعی، گاهی تئاتر وسیله‌ای برای درمان افراد مبتلا به اختلالات گفتاری می‌شود و گاهی هم همین نوع تئاتر با رویکرد دخا‌لقانه در مهدهای کودک برای رشد خلاقیت کودک‌ان نمایش داده می‌شود و گاهی هم در زندان برای مددجویان، در مجموع‌من در آثارم به‌سراغ‌سوزه‌هایی می‌روم که دغدغه مردم‌است و سعی می‌کنم با هنرم در مسیر رفع مشکلات گام‌بردارم و مردم را از حالت منفعل به یک کنشگر و فعال فرهنگی تبدیل‌کنم. بحث تئاتر کار بردی آن قدر گسترده‌است که مدت‌هاست تئاتر کار بردی را وسیله‌ای برای بازپروری زندانی‌ها کردم و تلاش‌بر این‌است آسیب‌ها و معضلاتی را که زندانی‌ها با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و باعث شده به‌زحکاران اجتماعی تبدیل شوند، باز نمای‌کنم تا در محیطی آموزشی و پرورشی خردشان به جبران افتد و برای اصلاح خود تلاش‌کنند.»

## بدون دیالوگ و بازبان بدن بادیگران ارتباط برقرار می‌کنیم



اگر ویدئوی نمایش جوکرهای «خودم شروع می‌کنم» در فضای مجازی به چشم‌تان خورد، باشد یا اهل تهران باشید و آن‌ها را در خیابان دیده باشید، می‌بینید که با زبان بدن در حال برقراری ارتباط با دیگران هستند. امینی در باره انتخاب این نوع سبک ارتباطی هم می‌گوید: «زبان بدن را برای این انتخاب کردم تا طیف هم گسترده‌ای از افراد، یعنی از کودک تا کهن سال و افراد ناشنوا را هم در بر بگیرد. علاوه بر این مستخدم دیالوگ و وسیله مناسبی برای انتقال مفهوم نیست و فقط می‌تواند یک ابزار دم‌دستی برای گفتن یک سری واژه باشد. چون کار ما یک کار جدی بود، دیالوگ را وسیله مناسبی ندیدم. تعداد اعضای گروه‌مان هم در مجموع حدود ۲۰ نفر هستند، از بازیگر و بچه‌های موسیقی گرفته تا عکاس و فیلم‌بردار؛ اما تعداد افرادی که بازی می‌کنند حدود ۱۰ نفرند.»

چند وقتی می‌شود که مجیدو دوستانش با نمایشی تحت عنوان «#خودم شروع می‌کنم» و با هدف فرهنگ‌سازی استفاده از ماسک و رعایت پروتکل‌های بهداشتی راهی سطح شهر شده و با شکل و شمایل جوکر، افراد را که به دستور العمل‌هایی توجه‌بوند، به استفاده از ماسک تشویق و به رعایت پروتکل‌های بهداشتی دعوت می‌کردند. او در باره ایده این نمایش می‌گوید:

«وقتی کرونا به یک بحران بزرگ تبدیل شد و جامعه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، با خودم گفتم به عنوان یک شهروند چه تأثیری

## برای مبارزه با کرونا باید از خودمان شروع کنیم

می‌توانم در حل این مشکل داشته باشم و برای همین ایده #خودم شروع می‌کنم به ذهنم رسید. اساس این ایده بر آن بود که ما انسان‌ها در مواجهه با هر مشکلی فارغ از این که یک شهروند عادی هستیم یا یک مسئول، به همه‌ما برچسب شهروندی می‌خورد و نباید بگوییم این کار به من ربطی ندارد و همگی باید دست‌به‌دست همدیگر دهیم و اکنون هم برای مبارزه با کرونا باید نقش‌مان را درست ایفا کنیم. می‌توانستم با خود بگویم این کار متولی دار و به من چه مربوط؟ در واقع هر شهروندی در مواجهه با هر مشکلی باید از خودش شروع کند و منتظر حل مشکل از سمت دیگران نباشد.»

## در درجه اول سعی کردم حال مردم را خوب کنم

«متأسفانه حین پیاده‌روی‌هایم در شهر می‌دیدم که بعضی مردم حال‌شان خوب نیست و شاد نیستند»، امینی با این مقدمه از هدف‌های اجرای نمایش اخیرش می‌گوید: تصمیم گرفتم با کارم که بر بستر موسیقایی بنا شده، در درجه اول حال مردم را خوب و در درجه دوم پیام رعایت پروتکل‌های بهداشتی را به‌آن‌ها منتقل‌کنم تا بتوانم در زمینه مبارزه با کرونا حرکت کرده باشم. به نظر من وقتی مخاطب حالش خوب شود به این باور می‌رسد که باز او می‌تواند حال دیگران را خوب کند اما شرط داشتن حال خوب این است که حواس‌مان به کرونا باشد. درباره انتخاب گریم جوکر هم باید بگویم که جوکر در فارسی، به معنای تسهیل‌گر است و ده‌نفر جوکر با لباس‌هایی شبیه لباس‌های نیروی دریایی ارتش این رسالت و مأموریت را بر عهده دارند که حال مردم را خوب کنند.»

## کارمان نمایشی جدی در بستر طنز است

او در باره انتخاب گریم جوکر و طیف سنی بازیگرانش هم توضیح می‌دهد: «دلیل انتخاب گریم جوکر این بود که بچه‌ها بتوانند پیام و هدف جدی‌شان را در قالب شوخی منتقل کنند تا شهر و ندان حال و هوایشان عوض‌شود و خوشحال شوند. در مجموع جدیتی بود در بستر طنز تا از تلخی ماجرا کم‌کند و مخاطب هم مقاومت‌نکند. درباره انتخاب بازیگران هم برای این که بتوانیم با سنین مختلف ارتباط برقرار کنیم بازیگران جوکر را از طیف‌های مختلف سنی انتخاب کردیم. از یک دختر ۱۰ ساله و یک پسر ۱۴ ساله در کارمان است تا فرد ۳۷ ساله. این انتخاب هم به این دلیل بود که هر جوکر روی طیف سنی خاص خودش تأثیر گذار باشد.»

## حتی یک نفر هم به تذکرات مان اعتراض نکرد

امینی در باره واکنش و بازخورد مردم به نمایش‌شان هم توضیح می‌دهد: «با این که مردم می‌توانستند گاردهای مختلفی بگیرند ولی اعتراض حتی یک نفر ا هم ندیدم و باز خورد عمومی خیلی خوبی را شاهد بودیم. این هم شاید به این خاطر است که شروع کارمان جالب است، یعنی با یک صدا شروع می‌شود، به تدریج به صداها افزوده می‌شود و مردم در فرایندی قرار می‌گیرند و تا به خودشان می‌آیند می‌بینند به‌طور ناخوسته در حال مشارکت کردن هستند. بازیگران ما ابتدا به صورت عادی بین مردم راه می‌روند و به افرادی که ماسک ندارند یا تعجب‌نگاه می‌کنند و لحظه به لحظه تعجب‌شان بیشتر می‌شود تا این که تعجب با یک آه گفتن به فرد بدون ماسک تبدیل به افسوس می‌شود. به عنوان نمونه پسر جوانی گفت من تا الان از ماسک استفاده نمی‌کردم و در حقیقت اعتقادی نداشتم اما آن قدر که شما‌ها حال هستید، تصمیم گرفتم از این به بعد ماسک بزنم یک فرد دیگر گفت امروز حسایی حال مرا خوب کردید و من با این اثر نمایشی یاد گرفتم به بچه‌هایم آموزش دهم پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنند. خب این‌ها برای من ارزشمند است. البته عده‌ای هم می‌گفتند شما چرا و تر این کار را شروع نکردید، حالا که همه چیز در حال تمام‌شدن است وواکسن اش آمده؟! بعدا که گفتم همین کار را هم با هزینه شخصی خودمان انجام دادیم، قانع شدند.»

## باتفنگ آب‌پاش، دست‌های مردم را ضدعفونی می‌کنیم!



او در باره خدعاتی هم که هنگام اجراشان به شهر و ندان ارائه دادند، می‌گوید: «به شخصی که ماسک ندارد، ماسک هدیه می‌دهیم، اگر الکل ندار باتفنگ‌های آب‌پاش، دست‌شان را ضدعفونی می‌کنیم و همچنین به افرادی که فاصله‌گذاری را رعایت نمی‌کنند با کارت‌تزرده خطر می‌دهیم و از برف شادی برای فاصله‌گذاری اجتماعی در مکان‌های شلوغ استفاده می‌کنیم!»

او در باره خدعاتی هم که هنگام اجراشان به شهر و ندان ارائه دادند، می‌گوید: «به شخصی که ماسک ندارد، ماسک هدیه می‌دهیم، اگر الکل ندار باتفنگ‌های آب‌پاش، دست‌شان را ضدعفونی می‌کنیم و همچنین به افرادی که فاصله‌گذاری را رعایت نمی‌کنند با کارت‌تزرده خطر می‌دهیم و از برف شادی برای فاصله‌گذاری اجتماعی در مکان‌های شلوغ استفاده می‌کنیم!»

#### ❖ رقابت نابرابر میان رسانه و فعالان حقوق کودک

در شرایطی که تکلیف نهادهای رسمی و مسئول در خصوص پدیده کودکان کار مشخص نیست، جریانی رسانه‌ای، معلوم نیست بر اساس چه شواهد و مستنداتنی اصرار دارد د مافیایی بودن کودکان کار را در باور عمومی جابیندازد. این جریان که از هفت سال پیش با سریال تلویزیونی «آوای باران» به کارگردانی «حسین سهیلی زاده» شروع شد، حالا با سریال «ملکه گدایان» اثر همان کارگردان در شبکه نمایش خانگی دنبال می‌شود. جالب آن که پخش سریال تازه در بازپخش آوای باران در شبکه آی فیلم همزمان شده‌است. اگر تیم تحقیقاتی این سریال مدار کی دال بر ادعایش دارد، خوب است با نهادهای دولتی هم در میان بگذارد تا دست کم در اظهار نظرهای‌شان در این باره به اتفاق نظر برسند

اما اگر اصرار ش صر فابر اساس شنیده‌ها و حدسیات است، باید بداند ادعایش چه پیام‌هایی ممکن است داشته باشد. فعالان حقوق کودکان در تلاش اند به عامه مردم رفتار صحیح با کودکان کار را بیاموزند، بچه‌هایی محروم از امکانات اولیه زندگی که کودک‌ی‌شان را در دل انواع آسیب می‌گذرانند و توهین و تحقیرهای از سر ناگاهی مردم، زخم مضاعفی بر درشان است. حالا چطور می‌شود به شهروندی که تحت تأثیر القای رسانه، این بچه‌ها را مافیایو خلافتکار می‌داند، توضیح داد که باور ش مبنایی ندارد و حتی اگر مطابق با واقعیت هم باشد، مجوز ی بر بد رفتاری نیست؟ واضح است که در غیاب واکنش مسئولانه مسئولان، فعالان حوزه کودک بی‌بهره از تریبون عمومی، رقابت بر سر جهت‌دهی به افکار عمومی را به رسانه می‌بازند که دامنه نفوذ وسیع‌تر و قدرت‌مندتری دارد. اما این برد رسانه به چه کسی نفع می‌رساند؟ برخی معتقدند ساده‌لوحانه است اگر گمان کنیم صرفاً پای جذب مخاطب در میان است. یک اثر نمایشی چه در تلویزیون و چه در شبکه نمایش خانگی، برای گرفتن مجوز پخش از فیلترهای متعددی می‌گذرد؛ اگر مافیایی جلوه دادن کودکان کار برای عده‌ای منفعت نمی‌داشت، به همین سادگی و بدون استناد به ادله کافی قابل ارائه می‌بود؟ خبرگزاری ایرنا در دی ۹۸ می‌نویسد: «طبق اعلام

مجلس شورای اسلامی در سال ۹۷ بین سه تا هفت میلیون کودک کار در ایران به دلایل مشکلات اقتصادی [...] برای تأمین امور زندگی خود و خانواده مجبور به کار کردن در اماکن مختلف مانند مراکز زباله سوزی، کارگاه‌های تولیدی، جمع‌آوری ضایعات آهن و پلاستیک و ... مشغول کار هستند». این آمار عجیب و باورنکردنی را بگذارد کنار طرح‌های شکست خورده بسیاری که طی سال‌های گذشته در زمینه کودکان کار پیشنهاده و اجرا شده‌است، از جمله: تجهیز و راه‌اندازی مراکز جمع‌آوری، شناسایی و هدایت متکدیان و کودکان خیابانی، سال ۷۷؛ مراکز شناسایی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی، سال ۷۸؛ سامان

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۹  
۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۲ • ۶ فوریه ۲۰۲۱  
شماره ۳۰۵۹۳

۱۸۱۳

## چه کسانی از مافیای قلمداد کردن کودکان کار سود می‌برند؟

درباره تأثیر تلاش برای مافیایی جلوه دادن کودکان کار به بهانه پخش

و بازپخش ۲ سریال «ملکه گدایان» و «آوای باران» بر رفتار عمومی با این کودکان

الیه توتان | روزنامه‌نگار

کودکان کار، عضو گروه‌های مافیایی هستند؟ پدرخوانده ثروتمند و بد ذاتی، سرکردگی این باند‌ها را بر عهده دارد که از کودکان بهره‌کشی می‌کند و کمک‌ما به آن‌ها فقط جیب‌او و همدستانش را پر پول می‌کند؟ در یادداشت حاضر، پاسخی برای این سوالات پیدا نخواهید کرد و اصلاً بعید است جای دیگری هم جوابی دریافت کنید. با پرس‌وجو در این باره تنها چیزی که عاید تان می‌شود، اظهارات و ادعاهای تناقض‌آمیز است. رئیس اورژانس اجتماعی کشور می‌گوید: «گردش مالی در کودکان خیابانی بیش از هزار میلیارد تومان تنها در شهر تهران است. نکته تأسف بار این جاست که کمتر از ۳۰ درصد این پول در اختیار بچه‌قار می‌گیرد. هر یک ریالی که شما به آن کودک کمک می‌کنید، حضور او را در خیابان تثبیت می‌کنید. بی‌زینس فعال می‌ماند. باید در یک جای بی‌زینس را بشکنیم.» (منبع: مهر، تیر ۹۹). کارشناس دفتر آسیب‌دیدگان خیابانی سازمان بهزیستی تهران توضیح می‌دهد: «مسئولان بهزیستی تهران معتقدند در بررسی وضعیت کودکان کار خیابانی هر چه پیش رفتند، به مافیای نرسیدند و این کودکان خانواده‌گی کار می‌کنند.» (منبع: اقتصاد آنلاین، شهریور ۹۸). نایب رئیس فراکسیون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مجلس، معتقد است: «بهریستی و دیگر دستگاه‌ها هر قدر برای سامان دهی کودکان کار تلاش می‌کنند به نتیجه نمی‌رسند زیرا قدرت مافیای آن‌ها بیشتر است.» (منبع: خبرگزاری خانه‌ملت، مهر ۹۸) و سرپرست سازمان رفاه و مشارکت‌های اجتماعی شهر داری تهران بیان می‌کند: «این را که گفته می‌شود کودکان توسط یک مافیای با جریان‌های سازمان یافته‌ای که قدرت و نفوذ دارند به کار گمارده می‌شوند، قبول ندارم. برخی از این کودکان به صورت انفرادی این کار را می‌کنند و برخی هم به وسیله خانواده با فامیل‌های‌شان همه باهم دسته جمعی این کار را انجام می‌دهند. ممکن است فردی باشد که تعدادی از این کودکان را در یک یاد و چهارراه با اطلاع والدین شان مشغول کرده باشد اما به آن شکلی که گفته می‌شود، مافیا نیست.» (منبع: عصر شهروند، مرداد ۹۹).

دهی ۲۰ هزار کودک خیابانی، سال ۸۱؛ آیین نامه سامان دهی کودکان خیابانی، سال ۸۴.

#### ❖ ادعایی بی‌اساس و معضلی که فراموش می‌شود

یک بار دیگر موضوع را به طور خلاصه بررسی کنیم. پدیده کودک کار، هیچ متولی مشخص پاسخ گویی ندارد؛ هر کدام از نهادهای پلیس، وزارت کشور، شهرداری‌ها، سازمان بهزیستی و قوه قضاییه در مواردی اظهار نظر و ابراز وجود می‌کنند و در مواردی دیگر، ادعا می‌کنند که تخصص و وظیفه‌ای در این حوزه ندارند. آمار دقیقی از کودکان کار وجود ندارد ولی همان رقم تخمینی مجلس هم خبر از فاجعه‌ای عظیم می‌دهد. طرح‌هایی در گذشته پیشنهاد و مطرح شده که یا راه‌آدهای برای اجرای‌شان وجود نداشته است یا کارایی کافی نداشته‌اند. نمود عمومی

این پدیده نذر شهروندان، تعداد روز افزون بچه‌هایی است که در شرایطی نامناسب کار می‌کنند و نشانه‌ای غیر قابل چشم‌پوشی از فقر و نابرابری هستند که جامعه تر جیح می‌دهد به اصطلاح زیر پوست شهر بماند تا چهره شهر و روحیه عمومی آسیب نبیند. تنها تلاشی هم که در این زمینه انجام می‌شود، لباس یک دست پوشاندن ب بچه‌ها یا جمع‌آوری‌شان (طبق اصطلاح غلط و رایج) از شهر است که انگشت اتهام ادامه‌دار بودن این آسیب را به سوی نهادهای دولتی نشانه می‌رود. در چنین شرایطی، چه ایده‌ای بهتر از این که این بچه‌ها عضو گروه‌های مافیایی، مطرح‌شوند؟ کسی توقع موفقیت ۱۰۰ درصدی مقابله با مافیایر انداز چون طبق باور عمومی خیلی وقت‌ها، قدرت مافیای از دستگاه‌های اجرایی بیشتر است. از طرف دیگر روحیه عمومی هم از آسیب‌مصون خواهد بود و وقتی باز کند که این بچه‌ها از سر فقر و ناچاری در خیابان روز را به‌شب نمی‌سازند بلکه خلافت‌کارند، پس نه‌بایسته‌بر خورد دانسانی که مستوجب مجازات و توهین‌اند. به همین راحتی معضلی که به‌رسیدگی نیاز دارد تبدیل می‌شود به پدیده‌ای که می‌توان در باره اش خیال بافی کرد و قصه‌های همچان انگیز ساخت و بدون عذاب وجدان از کنارش گذشت.

#### ❖ ما هم وظیفه‌مان را در قبال کودکان کار انجام بدهیم

در این آشفته بازار، لازم است ضمن توقع به جایی که از دولت داریم، بی‌اعتنا به افسانه‌سازی‌های رسانه، وظیفه‌مان را در قبال کودکان کار انجام بدهیم؛ اگر قصد کمک داریم، در برابر پولی که به بچه‌هایم دهیم، حتماً از شان خرید کنیم. اگر کمک نقدی را درست نمی‌دانیم، یک وعده غذا یا خوردنی‌های مفید برای‌شان تهیه کنیم. سمجت یا هر رفتار ناراحت‌کننده دیگری از سوی این بچه‌ها، ناشی از آسیب و محرومیت است؛ تحت هیچ شرایطی اجازه نداریم از کوره در برویم و کمک کردن یا نکردن مان باید محترمانه باشد.

پرونده